



اقتصاد باز و مخالفان آن

محمد رضا فرزین

ایجاد یک اقتصاد باز پرهیز داشتند و بعلت عدم شرایط برابر کشورهای توسعه یافته، این فرایند را در تقابل با منافع ملی خویش می دانستند. اواخر دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ میلادی با چرخش عظیمی در ادبیات تجارت

بین الملل مواجه هستیم و ورود موفقیت آمیز کشورهای آسیای جنوب شرقی به بازارهای جهانی و عرصه رقابت با شرکتهای بزرگ غربی، افتحهای روشن جسدیدی را برای

کشورهای در حال توسعه نمایان ساخت. خروج از فضای بسته بازارهای داخلی و ادغام در اقتصاد جهانی نه تنها باعث اضمحلال صنایع داخلی آنها نشد بلکه صنایعی قدرتمند و جهانی را برای آنها به ارمغان آورد. (۱)

بانک جهانی براساس دومعیار عمده کشورها را به اقتصاد باز و بسته و حالتی بینابین تقسیم می نماید. جهت سیاست تجاری (تجارت باز) و سهم صادرات کالا و خدمات در GDP از جمله دومعیار می باشند. (۲)

با پایان قرن بیستم و ورود به قرن آینده ساختار جدیدی در اقتصاد جهان در حال شکل گیری است که اگرچه سنگ بنای آن بعد از پایان جنگ دوم جهانی گذاشته شده، اما پایان جنگ سرد در دهه ۸۰ میلادی به آن سرعت بخشیده است.

جهانی شدن، امروزه فرایند روبه گسترشی است که کلیه عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را درنوردیده و تمامی

کشورهای جهان بگونه ای با آن درگیر هستند. معتقدین به جهانی شدن، به دهکده جهانی ایده آلی می اندیشند که در آن تنها وظیفه مرزهای حداقل، تعیین قلمرو کشورها است و همه چیز در بین جوامع در حال انتقال است.

کشورهای در حال توسعه از ابتدای قرن بیستم با شروع مباحث افزایش همکاریهای تجاری جهانی در سال ۱۹۲۴ در کنفرانس لندن، از

بانک هانی براساس دومعیار عمده کشورها را به اقتصاد باز و بسته و حالتی بینابین تقسیم می نماید. جهت سیاست تجاری (تجارت باز) و سهم صادرات کالا و خدمات در GDP از جمله دومعیار می باشند.

فرهنگی و اجتماعی کشور برای طی این دوران گذرا داریم. هدف این مقاله بررسی عوامل مانع‌شونده در ایجاد یک اقتصاد باز در کشورهای در حال توسعه خاصه ایران می‌باشد. بدین منظور مخالفان اقتصاد باز را در سه گروه: مخالفان ایدئولوژیک، رانت‌خواران و سنت‌گرایان طبقه‌بندی نموده و دلایل و منطق هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

□ مخالفان ایدئولوژیک

○ از آنجا که استعمار سابقه‌ای طولانی در کشورهای در حال توسعه دارد و بسیاری از آنها از سلطه کشورهای استعماری بعد از جنگ جهانی دوم خارج شده‌اند، در چنین شرایطی طبیعی به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیران این کشورها اتخاذ سیاستهای تجارت باز را به عنوان یک سیاست سلطه استعمار نفی کنند لکن برای قبول این ذهنیت اجزای مهم دیگری نیز دخیل بوده است انقلاب

روسیه و باور رایج آن زمان که اتحاد شوروی از طریق برنامه‌ریزی متمرکز به رشد اقتصادی دست یافته و وقوع بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ باعث تقویت عدم اعتقاد به عملکرد بازارها شد.^(۳)

پرخش ساختار تولیدی

کشورهای در حال توسعه حول مواد اولیه، تمرکز نیروی کار در بخش کشاورزی، عدم حساسیت به محرکهای قیمتی و نیاز به انباشت سرمایه برای صنعتی شدن باعث القای این تفکر شد که اگر کشورهای در حال توسعه تجارت آزاد را بپذیرند، مزیت نسبی آنها در کالاهای اولیه خواهد بود لذا توسعه یا صنعتی شدن در صورت پذیرش سیاستهای تجارت آزاد اتفاق نمی‌افتد.^(۴)

اسکار لانگه (Oskar Lange) در سال ۱۹۴۰ در نظریه‌اش بیان کرد که از نظر کارایی تفاوتی در فعالیت تولیدی دولتی و خصوصی وجود ندارد: یعنی اینکه برنامه‌ریزان مرکزی می‌توانند علایمی را به بنگاههای اقتصادی اعلام کنند که آنها نیز دقیقاً نتایجی مشابه نتایج یک نظام بازار مطلوب به دست دهند.^(۵)

آلک هامیلتون و فردریس لیست (Hamilton & List) نظریه صنایع نوزار را طرح نمودند که بر اساس آن، تولیدکننده بالقوه در ابتدا با هزینه‌های بسیار بالایی مواجه است اما در بلندمدت قادر به رقابت است. لذا در حضور عوامل بیرونی پویا، هیچ تولیدکننده‌ای در شروع تولید قادر به کسب سود نیست. در این شرایط دخالت موقتی دولت ضروری است تا

میزان دخالت دولتها در اقتصاد و بویژه چگونگی دخالت و ابزارهای سیاسی بکارگرفته شده در زمره مهمترین عوامل تعیین‌کننده سیاست تجاری هستند. تعرفه، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، سهمیه‌های صادراتی و وارداتی، نظام قیمت‌گذاری، نظام پولی و نرخ ارز از جمله عوامل مؤثر بر معیارهای مورد بررسی هستند که در طی دهه‌های گذشته همواره با برخوردها و سیاستگذاری‌های متفاوتی در اقتصاد ایران مواجه بوده‌اند.

با شروع برنامه‌های عمرانی رژیم پهلوی، اگرچه سعی در ایجاد یک تفکر واحد و نظام مدون برای اقتصاد ایران شد. اما این فرایند تا برنامه سوم بطول انجامید و در این برنامه است که دولت مبتنی بر یک نظام تجاری بسته، به منظور حمایت از صنایع داخلی کلیه سیاستهای پولی و مالی و ارزی خویش را تدوین می‌نماید و در برنامه چهارم تفکر صنایع

نوزاد با پایه‌گذاری صنایع جدید تقویت می‌شود. خودرو، ماشین‌سازی، فولاد، نفت و بسیاری از صنایع دیگر مبتنی بر این تفکر تأسیس و راه‌اندازی می‌شوند. افزایش قیمت نفت و تحکیم این درآمد عظیم در بودجه دولت بعنوان حامی بزرگ ارزی

صنایع نوپا باعث شد تا سالهای بعد هیچگونه بحث جدی برای تغییر این سیاستها صورت نگرفت. بدیهی است وقوع جنگ تحمیلی در سالهای اولیه انقلاب اسلامی شرایط خاصی را برای اقتصاد ایران بوجود آورد که در آن محدود نمودن هزینه‌های ارزی، کاهش واردات، قیمت‌گذاری کالاهای اساسی و سوخت به منظور تأمین نیازهای اولیه مردم از مهمترین اولویتهای اقتصادی دولت بود.

شروع دوران بازسازی و سازندگی در سال ۱۳۶۸ فرصت بسیار مناسبی برای تفکر مجدد در مورد سیاستهای تجاری و اصلاح ساختار اقتصادی کشور و مبانی سیاستهای پولی، مالی و ارزی بود که اگر چه منشأ اصلاحات و موفقیتهایی شد اما به علت ناسازگاری سیاستها در حوزه‌های مختلف و عدول از آنها در مقطع زمانی خاص پایدار نبود.

هم‌اکنون پس از طی ۵۰ سال برنامه‌ریزی در بخش اقتصاد و وقوع تحولات شگرف در اقتصاد جهانی از اقتصاد بسته‌ای برخورداریم که دیر یا زود بایستی خود را برای ورود به بازارهای جهانی و رقابت با شرکتهای بزرگ آماده نماید. به نظر می‌رسد راهی طولانی و سخت جهت اصلاح قوانین و مقررات بازرگانی، پولی، مالی، ارزی و مجموعه سیاستهای

در بلندمدت هزینه‌های این صنایع به زیر هزینه‌های کالاهای وارداتی کاهش یابد و منجر به بازدهی اقتصادی برای جبران هزینه مداخله گردد. اگر چه استدلال صنعت نوزاد در جهان بهینه اول بود (یعنی دلیلی برای پرداخت سوبسید توسط دولت) اما زمانی که با راهبرد جایگزینی واردات همراه می‌شود منجر به توجهی برای حمایت از صنایع تولیدی تازه تأسیس در کشورهای در حال توسعه می‌گردد.

مخالفان ایدئولوژیک اقتصاد و تجارت باز هیچگاه به مزایای پویای تجارت جهانی، هزینه سهمگین حمایت، ظهور صنایع همیشه‌نوزاد و دولتهای بزرگ و ناکارا در کشورهای در حال توسعه نپرداختند و تجارب جدید کشورها در بطلان بسیاری از نظرات آنها مؤثر بود.

□ رانت خواران

○ رانت در اقتصاد به اجاره کالاهای سرمایه‌ای و زمین اطلاق می‌شود ولی معنای متداول آن درآمدهای حاصل از طریق روشهایی غیر از انجام کار مفید و ایجاد ارزش افزوده است. رانت خواران گروههای وسیعی از

اقتدار مختلف را تشکیل

می‌دهند که مناسب‌ترین محیط برای رشد و نموشان اقتصاد بسته است.

سرمایه‌داران و تجار وابسته، دولتمردان و حامیان

گروههای سیاسی از جمله عسکرانه‌ترین گروههایی

هستند که معمولاً از طریق

رانت‌های دولتی امرار معاش می‌کنند.

رانت خواران از چهار خصلت عمده نظام اقتصادی بسته حداکثر استفاده را می‌نمایند.

۱- عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی به موقع.

۲- قیمت‌گذاری کالاهای داخلی و تسلط نظام تعرفه‌ای مقداری و وجود سهمیه‌های صادراتی و وارداتی.

۳- مالکیت دولتی واحدهای بزرگ اقتصادی.

۴- فساد دیوانسالارانه.

عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی به موقع یک اقتصاد بسته، کارگزاران دولتی را در شرایط اطلاعاتی نابرابر تصمیم‌گیری‌ها و قوانین و مقررات قرار می‌دهد و از آنجا که هزینه کسب اطلاع در چنین نظامی به منظور انجام یک فعالیت اقتصادی زیاد می‌باشد، لذا آنها همواره در موقعیت برتری نسبت به رقبای خود قرار دارند.

مخالفان ایدئولوژیک اقتصاد و تجارت باز هیچگاه به مزایای پویای تجارت جهانی، هزینه سهمگین حمایت، ظهور صنایع همیشه‌نوزاد و دولتهای بزرگ و ناکارا در کشورهای در حال توسعه نپرداختند و تجارب جدید کشورها در بطلان بسیاری از نظرات آنها مؤثر بود.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

توسعه مدیریت / شماره ۶ مه‌ماه ۱۳۷۸

تغییرات ناگهانی قوانین، نرخهای کالاها و ارز، کالاهای سهمیه‌بندی شده و بسیاری از دستورات عملیاتی دیگر در ابتدا در اختیار این گروه قرار می‌گیرد و به سرعت واکنشهای مناسب تجاری را از خود نشان می‌دهند. لازم به ذکر است بسیاری از مواقع آنها در اخذ یک تصمیم‌گیری اقتصادی مؤثر هستند و آنها را به نفع خویش تغییر می‌دهند. مهمترین خصلت عمده اقتصاد بسته، تجارت بسته و وجود قوانین پیچیده صادراتی و وارداتی و تسلط نظام سهمیه‌بندی مقداری برای صادرات و واردات و نهادهای قیمت‌گذاری کالاهای داخلی می‌باشد. در این نظام سیاست‌گذاران تجاری کشور به منظور کنترل قیمت داخلی و جلوگیری از ورود یا خروج بیش از حد مطلوب یک کالا سهمیه مشخصی را تعیین و به واردکنندگان و صادرکنندگان اجازه تجارت تا آن حد معین را می‌دهند.

بدیهی است سرمایه‌داران و تجار وابسته داخلی با اخذ مجوزهای لازم به راحتی سودهای فراوانی کسب می‌نمایند. در اقتصادهای بسته بطور چشمگیری شرکتهای بازرگانی وابسته به دولتمردان وجود دارد. آنها قادرند با ورود یک کالا در مقطع زمانی خاص به راحتی قیمت کالا را

در بازار داخلی تحت تأثیر قرار

دهند و یا با احتکار و

کم‌فروشی کمبود مصنوعی

وجود آورند. تمامی سودهای

حاصله توسط آنها به هزینه

کاهش رفاه مصرف‌کنندگان و

تولیدکنندگان داخلی صورت

می‌گیرد. نهادها، تشکیلات و

دولتمردان موجود در سیستم

حمایتی اینرسی سکونی ایجاد می‌نمایند که هزینه اصلاحات جهت

آزادسازی و بازنمودن فضای تجاری را افزایش می‌دهند. در بسیاری

موارد، سیاستمداران نهادهای موجود یا جدید را به عنوان ابزارهایی برای

کسب حمایت سیاسی مورد استفاده قرار می‌دهند. این مدل عمومی بارها

در کشور ما تجربه شده است. یک تشکیلات جدید اغلب با نیت‌های

پدرسالارانه و قدیم‌مابانه بنیانگذاری می‌شود، اما بتدریج نیازهای

بودجه‌ای عملکرد آن را محدود می‌کند در حالی که فشارها و استفاده‌های

سیاسی از آن تشکیلات هزینه‌های آن را افزایش داده و به حیات خویش

ادامه می‌دهد. (۶) در مورد صنایعی که به منظور جایگزینی واردات مورد

حمایت سنگین قرار می‌گیرد، حمایت سیاسی از جانب صنایع داخلی،

سندیکاهای کارگری و دیوانسالاری که وظیفه به کارگیری نظام مجوزها و

کنترل‌های حمایتی را به عهده دارند تأمین می‌شود. در مورد شرکتها و

بنگاههای دولتی، بدیهی است که مقاومت اساسی در مقابل اخراج

از مسائلی است که در صورت عدم توجه دقیق و کارشناسانه به بحرانهای اجتماعی تبدیل می‌شود. هدایت این مسیر انتقال به سمت یک اقتصاد باز نیاز به مشارکت کلیه اقشار جامعه خاصه اندیشمندان، دانشگاهیان و دولتمردان و نظام مقتدری که زمینه بازی سالم و صحیح را فراهم نماید دارد.

متأسفانه این موضوع هنوز بعنوان یک بحث جدی مورد توجه قرار

نگرفته و در حوزه نظری نیز

راههای برخورد صحیح با آن

در بخشهای مختلف

اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی مورد

کنکاش واقع نشده است.

العلوی یکی از اندیشمندان عرب مسلمان می‌گوید: «از آنجا که اسلام دین جهان‌شمولی است پرداختن به مسائل جهانی شدن بایستی مورد توجه بیشتری توسط مسلمانان قرار گیرد و اندیشمندان مسلمان در حوزه نظری بررسی‌های بیشتری انجام دهند».

در مجموع هدف این مقاله بررسی نظرات، دیدگاهها و انگیزه‌های حامیان اقتصاد بسته بود و از آنجا که روند کند توسعه در دهه‌های گذشته، رشد شدید جمعیت، همگرایی جهانی و عضویت در سازمان تجارت جهانی ما را مجبور به گذر به اقتصاد باز خواهد نمود، بحث در مورد چگونگی سیاستهای دوران انتقال و محوریت برنامه‌های میان‌مدت (پنج‌ساله) کشور حول این موضوع مفید می‌باشد. ■

بزرگان صورت گرفته و در بعضی موارد به محلی برای جذب تحصیلان بیکار دانشگاهها تبدیل می‌شوند. بسیاری از واحدهای اقتصاد دولتی مکان مناسبی برای وابستگان دولتمردان است و نفوذ و تأثیر اقتصادی آنها در منطقه مربوطه در انتخابات محلی و بعنوان ابزارهای اقتصادی گروههای سیاسی مورد بهره‌برداری قرار

نیرند. فساد دیوانسالارانه که در

اقتصادها فراوان است

بست کاهش اثربخشی و

زیایی سیاستهای رفاهی

ها می‌شود.

آخرین گروه که اگرچه

بالب رانت‌خواران نمی‌گنجد اما گروهی هستند که از اقتصاد بسته مع فراوانی کسب می‌نمایند، قاچاقچیان که در مرزهای کشورها به ورود و ورود کلیه کالاها می‌پردازند هزینه سنگینی را به دولت‌ها تحمیل مایند. آنها به راحتی در قیمت کالاهای داخلی تأثیر گذاشته و از های بسته توسط قانون حداکثر استفاده را می‌برند. قاچاق در کنار بت‌های غیرقانونی از جمله موضوعاتی است که توسط اقتصاددانان در مادهای بسته و حمایتی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات سادانانی همچون بالدوین (Baldwin, 1976) در مورد فیلیپین، باگواتی انس (Bhagwati & Hansen)، شیخ (1974) (Sheikh) و پیت (Pitt) 19 در مورد اندونزی متمرکز بر بحث قاچاق است.

سنت‌گرایان

اقتصاد باز دارای مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی خاص خویش باشد که معمولاً سنت‌گرایان بزرگترین مخالفان آن می‌باشند. آزادی و میل ورود سرمایه و سرمایه‌گذاران خارجی، افزایش مراودات مادی با خارجی‌هایی که از فرهنگ دیگری برخوردارند، احترام به بین و ارزشهای جهانی، مشارکت و همکاری با شرکتهای بزرگ مللی، شفافیت و سرعت در اطلاع‌رسانی و پذیرش مالکیت معنوی پایگاه خبرگان در جامعه از مهمترین مسائلی هستند که با مخالفت‌های مواجه می‌شود.

پیمودن این مسیر و نزدیکی با اقتصاد جهانی نیاز به اصلاحات انی در بخشهای مختلف کشور دارد و هرگونه مخالفت غیرمنطقی با احاطات هزینه آن را سنگین تر خواهد نمود. در این مورد که جهان مت جهانی شدن و نزدیکی ادغام پیش می‌رود شکی نیست ولی باید ملی این دوره گذرا با کمترین هزینه اندیشید. بدیهی است توجه به دل، ارزشها و فرهنگ بومی و تطبیق آن با شرایط جدید در حال تغییر